

افت ۱۰ درصدی تجارت ایران و اتحادیه اروپا

جدیدترین آمار مرکز تجارت اروپا نشان می‌دهد که حجم تجارت ایران و کشورهای عضو اتحادیه اروپا در دو ماهه اول سال ۲۰۲۱ نسبت به دوره مشابه در سال گذشته، ۱۰ درصد کاهش پیدا کرده است. در این زمان اروپا صادراتی به ارزش ۸۵۳/۴ میلیون یورو به ایران داشته که در مقایسه با مدت مشابه در سال ۲۰۲۰ (۱۸۸/۸۶ میلیون یورو)، ۶ درصد کاهش پیدا کرده است. ایران نیز در ژانویه و فوریه ۲۰۲۱ صادراتی به ارزش ۱۲۲/۴ میلیون یورو به اروپا داشته که در مقایسه با مدت مشابه در سال قبل ۲۶ درصد افت را نشان می‌دهد. حجم تجارت ایران و اتحادیه اروپا در ماه فوریه ۲۰۲۱، ۴۳۰/۶ میلیون یورو بوده که در مقایسه با ماه مشابه در سال گذشته ۵ درصد افزایش پیدا کرده است. اروپا در این ماه صادراتی بالغ بر ۳۵۵ میلیون یورو به ایران داشته که در مقایسه با ماه مشابه در سال گذشته (۳۱۹/۴ میلیون یورو) ۱۱ درصد رشد کرده است. صادرات خودرو و ماشین‌آلات صنعتی با ارزشی بالغ بر ۲۲۴/۴ میلیون یورو، همچنان رتبه نخست صادرات از اروپا به ایران را به خود اختصاص داده است. صادرات ایران نیز در این ماه نسبت به سال گذشته ۱۶ درصد افت کرده است. همچنان صادرات مواد غذایی و دام با ارزش ۵۴/۸ میلیون یورو از ایران به اتحادیه اروپا در جایگاه نخست قرار دارد. در بین کشورهای اروپایی، بیشترین صادرات ایران در فوریه ۲۰۲۱ به آلمان (۲۳/۶ میلیون یورو)، ایتالیا (۲۲/۵ میلیون یورو) و اسپانیا (۱۰ میلیون یورو) بوده است. ایران نیز بیشترین میزان واردات را در این ماه از سه کشور اروپایی، آلمان (۱۴۴/۳ میلیون یورو)، هلند (۶۷/۴ میلیون یورو) و ایتالیا (۳۶/۸ میلیون یورو) داشته است.

تبدیل قولنامه مسکن به سند رسمی

در طرح ارتقای اسناد رسمی که در مجلس مطرح است، سامانه‌ای پیش‌بینی شده که تمام کسانی که سند عادی دارند، این سند را در آن ثبت و مهلتی داده می‌شود تا سند را به سند رسمی تبدیل کنند. بر این اساس باید نقل و انتقالات درمورد املاک دارای سابقه ثبتی، به موجب سند رسمی صورت گیرد. به گزارش ایسنا، اواخر فروردین ماه امسال، ذیل طرح جهش تولید مسکن از سوی مجلس شورای اسلامی دو گام مهم درجهت برچیده شدن قولنامه‌های دستی و اسناد غیررسمی معاملات مسکن برداشته شد که یکی انتقال سامانه املاک و مستغلات از وزارت صمت به وزارت راه و شهرسازی و دیگری الزامی کردن ثبت کد رهگیری در معاملات بود. اوایل اردیبهشت‌ماه امسال نیز محمود محمودزاده معاون وزیر راه و شهرسازی از برنامه‌ای خبر داد که طبق آن تمامی نقل و انتقالات حوزه مسکن بر پایه اسناد رسمی باشد. مصطفی قلی خسروی- رئیس اتحادیه مشاوران املاک هم به همکاری اتحادیه املاک با قوه قضائیه در خصوص برخورد با مشاورانی که کد رهگیری را صادر نمی‌کنند، اشاره کرد. بر این اساس باید تمامی معاملات در سامانه املاک و مستغلات ثبت شود و قولنامه‌های سه‌زنگی اعتبار خواهد شد. در این خصوص اخیرا رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در پاسخ به سوالی در مورد اسناد عادی و رسمی با اشاره به تأثیر ثبت رسمی در آرامش افراد جامعه، گفته است: «در سند تحول قوه قضائیه بخش مربوط به روابط با اسناد عادی و املاک کشور به طرح کاداستر و اعتبار اسناد رسمی اشاره شده است که اگر این دو در کنار هم به نتیجه برسند، بخش اعظمی از پرونده‌هایی که اکنون در دستگاه قضایی است، تشکیل نخواهد شد.»

ذبیح‌الله خداییان با اشاره به استعمال از طریق سایت سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در زمینه تصدیق اسناد رسمی، ادامه داد: «با مراجعه به سایت سازمان و وارد کردن موارد لازم، سند رسمی به نمایش گذاشته می‌شود و این موضوع کمک می‌کند تا با اسناد جعلی معامله صورت نگیرد، اما در رابطه با سند عادی این استعمال امکان پذیر نیست.» عضو شورای عالی قوه قضائیه افزود: «در طرح ارتقای اسناد رسمی که در مجلس مطرح است، سامانه‌ای پیش‌بینی شده که تمام کسانی که سند عادی دارند این سند را در آن ثبت کنند و مهلتی داده می‌شود تا سند را به سند رسمی تبدیل کنند و بر این اساس باید نقل و انتقالات در مورد املاک دارای سابقه ثبتی، به موجب سند رسمی صورت گیرد.» رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور یادآور شد: «بناگاه‌های معاملات ملکی هم باید بعد از به نتیجه رساندن معامله، پیش‌نویس آن را در سامانه‌ای که طراحی خواهد شد، ثبت کنند و از این طریق دفاتر سند رسمی را صادر می‌کنند تا جلوی سوءاستفاده‌ها گرفته شود.» خداییان خاطرنشان کرد: «اگر طرح کاداستر و الزام اسناد رسمی به نتیجه برسد بسیاری از مشکلاتی که در زمینه زمین و مسکن وجود دارد، حل خواهد شد.»

مصرف برق به مرز ۵۴ هزار مگاوات رسید

به گزارش تسنیم، سرعت رشد مصرف برق در کشور افسارگسیخته شده و طی روزهای اخیر، شاهد ثبت پیک‌های مصرف برق به مقادیری هستیم که در زمان مشابه سال‌های گذشته بی‌سابقه بوده‌اند. برای نخستین بار در تاریخ کشور در اردیبهشت‌ماه شاهد رسیدن رکورد مصرف برق به مرز ۵۴ هزار مگاوات هستیم. طبق آمار رسمی شرکت مدیریت شبکه برق ایران در روز بیست‌ونهم اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۰ مصرف برق در پیک روزانه به ۵۳ هزار و ۷۵۹ مگاوات رسید. این درحالی است که پیک مصرف برق در روز مشابه سال قبل، ۲۷۰ هزار و ۲۷۰ مگاوات بوده و رشد بیش از ۸ هزار و ۵۰۰ مگاواتی نسبت به زمان مشابه سال قبل، رشدی عجیب و نیازمند مدیریت است.

اقتصاد

ایده خطرناکی که در آستانه انتخابات تبلیغ می‌شود

تله انفجاری افزایش یارانه نقدی



حافظه تاریخی ضعیف و تکرار یک اشتباه

امروز هم اگر ما دوباره بدون تغییر جدی در بنیه تولیدی مان صحبت از این طرح کنیم و بخوایم دوباره تجربه‌ای داشته باشیم، نشان از این دارد که گویا واقعا ایرانیان حافظه تاریخی ضعیفی دارند و از آنچه باید، عبرت نمی‌گیرند. طرحی که در گذشته در کشورهای درحال توسعه و صنعتی نشده جز بحران برجای نگذاشته قطعا در ایران هم همین گونه خواهد بود، کم‌اینکه بوده است. خصوصا از این باب باید توجه داشت که اقتصاد به‌معنای عام یعنی توجه هم‌زمان به تولید و مصرف یا به‌تعبیری توجه هم‌زمان به عرضه و تقاضا و زمانی که شما منابعی را صرفا برای مصرف توزیع می‌کنید و نهادهایی هم برای تشویق تولید ندارید قطعا یک‌طرفه به اقتصاد نگاه کرده‌اید و دچار مشکل خواهید شد و از جهتی می‌توان گفت حتی اگر در ایران هم و جوی‌های برای توزیع از محل دیگری داشتید نیازی به آزادسازی هم نبود، باز مشکلات این‌عدم توازن خود را نشان می‌داد و با کمی توجه به نگرش‌های توسعه‌گرا خواهید فهمید اولین معضل اقتصاد ایران رفغ بیکاری است که با ایجاد اشتغال و افزایش تولید شما می‌توانید هم‌زمان هم عرضه اقتصاد را بالا برده و قوی کرده و هم تقاضا را قوت ببخشید و باید برنامه‌های توسعه‌محور ایران هم بر همین مبنا و رسیدن به اشتغال کامل برای از بین بردن فقر باشد نه پرداخت یارانه به مردم که البته به علت تورم‌های بعد از استفاده از لفظ آزادسازی مشکل‌ها حل نمی‌شود و مشکل ما با عوض کردن اسم‌های طرح نیست که نتیجه‌شان قطعا یکسان است، بلکه مشکل با عدم شناخت صحیح و در ادامه عدم سیاست‌گذاری صحیح است. اگر هم شما بخواید بنیان‌های اندیشه‌ای یارانه نقدی را ببینید جالب است بدانید که به افراط چپ یا اندیشمندان عدالت‌خواه یا حتی نهادگرا نخواهید رسید بلکه از مدافعان بزرگ مساله یارانه نقدی اندیشمندان‌ی مانند هایک هستند که حتی لفظ لیبرال هم توان بیان راست‌گرایی آنها را ندارد و شاید بتوان در همین راستا دانست تشکر بانک جهانی از محمود احمدی‌نژاد را در دوران ریاست او برای اجرای آزادسازی‌ها و شوک‌هایش را. در کل اگر بخواهیم جمع‌بندی کنیم، این سیاست نه می‌تواند مشکلات را حل کند و نه کاهش دهد بلکه آنها را تشدید خواهد کرد و مسیر حل مشکل فقر در ایران هم از سیاست‌هایی دیگر است که تولید را تحریک بخشد و اشتغالی‌ایی کند و یارانه‌های پنهان برخلاف آنچه معمولا نئولیبرال‌ها به شما می‌گویند سم مهلک نیست بلکه خود کشورهای اروپایی امروز به‌شدت از آن بهره می‌برند خصوصا در بخش کشاورزی و ایران هم باید از این ابزار سیاستی برای افزایش تولید و توسعه استفاده کند و به دام بحران‌های حاصله از یارانه نقدی نیفتد که صرفا می‌تواند یک کشور را به مصرف‌گرایی برساند و وابسته به خام‌فروشی و واردات کند.

یارانه‌های مستقیم نقدی به مردم از روش‌های نه‌چندان مخربی استفاده کردند؛ برای مثال هند از مالیات و شیلی از اضافه‌صادراتش این منابع را تامین می‌کرد اما در ایران علاوه بر بحران‌هایی که اجرای خود یارانه نقدی ایجاد کرد ما با بحران‌هایی برای تامین خود و جوه برای این طرح نیز مواجه بودیم.

تجربه ایران در هدف‌مندی یارانه‌ها

برخلاف کشورهای ذکرشده، ایران برای تامین منابع این طرح د‌دست به آزادسازی زد، البته در اسم رمزی ملایم‌تر به‌نام هدف‌مندی و اصلاح قیمت! افزایش قیمت بنزین به‌مثابه شوک‌درمانی و آزادسازی در راستای افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل و افزایش هزینه تولید برخی شرکت‌ها توانست جدا از فرآیندهای ذکرشده تورم ایجاد کند و البته نباید تنها مشکل افزایش قیمت‌های حامل‌های انرژی را در رشد تورم‌ها بعد از سال ۸۹ (افزایش ۵۰٪ واحدی و افزایش تورم تا نزدیک ۳۰ درصد بعد از تأثیرگذاری بر هزینه تولید) دانست بلکه بزرگ‌ترین ضربه این سیاست‌ها بر تولید کشور متمرکز است که می‌تواند شوک جدی به طرف عرضه ما وارد کند و همین تولیدی هم را که در کشور ما به‌صورت خیلی ضعیف وجود دارد و نهادهایی هم برای ارتقای آنها نیست، نابود کند و درکنار تورم بعضا مقداری رکود هم به وجود آورد و فی‌الواقع همین اتفاق نیز در ایران افتاد. از زمان شوک حامل‌های انرژی به بعد و سال ۸۹ تورم‌هایی بر اقتصاد ایران حاکم شد و با پرداخت یارانه‌های نقدی در حجم بالا در کشور میزان تقاضای کل در ایران بسیار بالا رفت، کمبود کالا در کشور مشهود شد و دولت محمود احمدی‌نژاد برای رفع نیازها و تقاضاهای داخلی اشتباه آلوده را تکرار کرد و مجبور شد تعرفه‌های وارداتی را از چین کاهش دهد تا کالاهای مصرفی ارزان قیمت‌چینی روانه بازار ایران شوند.

در همین‌چین رکورد واردات کالاهای مصرفی در دوران احمدی‌نژاد زده شد و تقریبا در دوره او واردات ایران بیش از ۲ برابر دولت‌های قبل از خودش شد (نزدیک ۵۰ درصد از کل حجم واردات جمهوری اسلامی ایران تا سال ۹۲ در این دوره بود). قیمت پایین کالاهای چینی به‌علت بهره‌وری بالاتر این کشور و کارگران ارزان آنها باعث شد میل به مصرف برای کالاهای چینی به‌علت قیمت به‌صرفه آنها تغییر کند و بسیاری از شرکت‌های ایرانی نتوانند رقابت کنند و ورشکست شده و رکود و بیکاری هم در کشور حکمفرما شود، خصوصا شرکت‌های کوچک و متوسط که خبرهای ورشکستگی آنها در دوره احمدی‌نژاد اتفاقی عادی شده بود.

پس به‌طور کلی بحران حاصله این طرح در ایران بیش از تجارب دیگر بود که از طرفی شوک به اقتصاد وارد کرد و از طرف دیگر رکود تورمی حاصل از آن را تشدید کرد و البته بعدها نیز اقتصاد را مجبور به قبول شوک دیگری بر آرز و رقابت کند و ورشکست شده و رکود و بیکاری نیز ما در آبان سال ۹۸ داشتیم که گرچه در سطوح قبل نبود اما حتی تا مرز آشوب‌های اجتماعی نیز ما را کشاند و امروز حتی رئیس کل بانک مرکزی نیز تصریح کرده شوک بنزینی سال ۹۸ با بهانه یارانه نقدی باعث تورم‌هایی شد که در ادامه شوک ارزی را ایجاد کرد.

اما زمانی که همین یک دلار به طبقات پایین پرداخت می‌شد به اندازه میانگین ۸۰ درصد مصرف آنها را بالا می‌برد. این یعنی زیاد شدن تقاضای کل در اقتصاد که کلیت این مفهوم نیز به‌معنای تورم است و چون که در کشورهای درحال توسعه معمولا بخش تولید و عرضه اقتصاد با ضعف‌های جدی و کج‌کارکردی‌های بزرگ نهادی و البته کشش‌پذیری پایین عرضه مواجه است، مقدار تولید درمقابل تقاضا تغییر چندانی نمی‌کند و همین موضوع تورم به جان اقتصاد می‌اندازد. البته باید گفت تجربه هند، فقط با تورم روبه‌رو بوده و از همین حیث می‌توان گفت نسبت به تجارب دیگر وضع بهتری داشته که هم با رکود و هم با تورم مواجه شدند!

تجربه شیلی

تجربه بعدی که صحبت خواهد شد، تجربه کشور شیلی در زمان سالوادور آلنده در سال ۱۹۷۱ است. آلنده، رئیس جمهور سوسیالیست شیلی بود که برای رفع نابرابری و ایجاد عدالت تصمیم گرفت پرداخت یارانه‌های نقدی را در کشور آغاز کند اما همین طرح وضع را برای او به‌قدری سخت کرد که با کودتای پیونوش به کمک سازمان سیا به قتل رسید و کشور به‌دست نئولیبرال‌ها افتاد. آلنده برای پرداخت یارانه نقدی در سطوح کلان از منابع و جوه صادراتی استفاده می‌کرد که از صادرات مواد خام خصوصا مس به‌دست آورده و معتقد بود با پرداخت این جوه به مردم که حق آنهاست فقر را از بین خواهد برد؛ اما چیزی که درحقیقت اتفاق افتاد، مطلوب آلنده نبود. در وهله‌های کوتاهی با شروع پرداخت یارانه نقدی در کشور شیلی تورم به اعداد بسیار بالایی رسید حتی بعضا به تورم ماهانه ۱۵۸ درصد و با افزایش قدرت خرید مردم با وجوه تازه در دست آنها تقاضا به‌شدت افزایش یافته بود و تولید ضعیف و عرضه متزلزل شیلی توان پاسخ به این تقاضا را نداشت. تورم ایجاد شد ولی این تنها مشکل نبود بلکه مشکل دوم آلنده این بود که به مقدار تقاضا، کالای کافی در کشور وجود نداشت و برای حل این مشکل آلنده تصمیم گرفت تعرفه واردات کالاهای را پایین آورد و نیل‌ز داخلی را با کالاهای خارجی پاسخ گوید، با این کاهش تعرفه‌ها سبیل کالاهای خارجی برای مصرف به شیلی سرریز شد و همین مساله واردات کالاهای خارجی با قیمت ارزان باعث شد شرکت‌های بسیاری در داخل شیلی نتوانند رقابت کنند و بازار را تحویل شرکت‌های خارجی دهند و همین یعنی ورشکستگی و رکود اقتصاد و یقینا تعدیل نیروی انسانی و بیکاری در سطح کلان (رشد ۲۵ درصدی بیکاری بعد از اجرای طرح). شیلی قصد رفع فقر را داشت اما با این طرح به رکود تورمی دچار شد که وضعیت کشور را بسیار آشفتناک کرد و درنهایت به‌ضرر تمامی مردم شد. اینها تجارب ارزشمندی هستند برای اکثریت کشورهای درحال توسعه که نهادهای غیرمولد دارند و مسلمانا هر فرد عاقلی باید از تاریخ به‌عنوان آینه عبرت استفاده کند، اما متاسفانه ما این کار را نکردیم و مستقیما خودمان هم در سال‌های هدف‌مندی یارانه‌ها و با اجرای این طرح به تجربه‌هایی شبیه شیلی دست یافتیم، اما مساله برای ما حادتر از هند و بلکه شیلی هم بود! اکثریت کشورهای برای تامین جوه برای پرداخت

تجربه هند

ابتدا به کشوری در نزدیکی خودمان مراجعه کنیم، کشور هند با جمعیتی بسیار بالا و درکنار آن با وضعیت فقری ناامیدکننده. بحران فقر و عدالت در هند بسیار جدی است و حتی در این روزها با آمدن کرونا تشدید هم شده، اما بررسی من برای چندین سال قبل است که هند عزم کرد با پرداخت یارانه نقدی ریشه فقر را بخشکاند! دولت هند در یک سیاست کلی تصمیم گرفت با دریافت پایه مالیاتی جدیدی از دو دهک بالا وجوهی جمع‌آوری کند و آن را بین دو دهک پایین توزیع کند. گرچه نحوه کسب این منابع برای پرداخت یارانه در هند مشکل جدی به وجود نیاورد برخلاف کشور ما که ایجاد منابع برای توزیع نیازمند یک‌سری ضربات مهلک به اقتصاد است، ولی بازهم این سیاست با اجرایی شدن باعث خلق تورم‌های بالا در هند شد. شاید متعجب شوید که وقتی نه خلق نقدینگی شده و نه شوکی به اقتصاد وارد شده، چگونه تورم‌های بالایی (بعضا در ماه‌هایی بالای ۵۰ درصد) ایجاد کرده است؟ جواب این سوال را محققان این‌گونه دادند: زمانی که یک دلار از دهک‌های بالای درآمدی در هند برای پرداخت یارانه گرفته می‌شد، میانگین ۲۵ درصد مصرف آنها کم می‌شد